

مصاحبه رانپو فردا با نویسنده سعودی کتابی درباره سیاست شاه ایران در خلیج فارس از 1968 تا 1971

قریبا مونت (رانپو فردا): در زمینه آنچه در دهها 60 و 70 بر ایران رفت، بسیار نظرها ابراز شده و بسیار کتابها نوشته. برخی شاه ایران را به خاطر بر عهده گرفتن نقش پلیس منطقه مذمت و برخی دیگر سیاستهای او را ستایش می کنند. امیر فیصل سلمان آل سعود، برادرزاده پادشاه عربستان سعودی که سالها در دانشگاه آکسفورد به تحقیق و پژوهش مشغول بوده، کتابی منتشر کرده در مورد تحولات سیاسی خلیج فارس در چهار سال حیاتی میان 1968 و 1971 یعنی زمانی که بریتانیا به دلایل ضعف اقتصادی، منطقه را ترک گفت.

شهران طبری (رانپو فردا، لندن): کتاب امیر فیصل سلمان آل سعود، در مورد يك نوره چهار ساله از 1968 تا 1971 در حیات منطقه خلیج فارس است. یعنی دورانی که بریتانیا قدرت استعماری کهن جهان، به دلایل بحران اقتصادی در داخل کشور خود و علیرغم تمایل قبلیش تصمیم گرفت از خلیج فارس بیرون رود و حفظ ثبات منطقه را به توانهای منطقه بسیار دیگر، فیصل سلمان می گوید: ایران بزرگترین و مهمترین کشور منطقه در آن زمان بود و به نوعی جانشین بریتانیا شد. اما او می افزاید از آنجا که بریتانیا تا مدت کوتاهی پیش از این تصمیم، قصد ترک خلیج فارس را نداشت، تمام کشورهای منطقه غافلگیر شدند و ایران نیز سیاست و برنامه مشخصی برای ایفای این نقش تنظیم نکرده بود. با این حال او معتقد است حکومت شاه ایران در آن زمان توانست به سرعت سیاست مستقلی تنظیم کند و مهمترین نقش را در منطقه به عهده گیرد. از امیر فیصل می پرسیم در آن موقع ابوزوسینون حکومت شاه او را متهم می کرد که دست نشانده آمریکا است و نقش پلیس منطقه را برای آمریکا ایفا می کند. اما شما در کتابتان اینطور نمی گوید.

امیر فیصل سلمان آل سعود (برادرزاده پادشاه عربستان سعودی): وقتی بریتانیا می خواست از خلیج فارس بیرون رود، هفتن آن بود که امنیت منطقه حفظ شود، به نوعی که آمریکا نیز راضی باشد. برای این کار طبیعی ترین منحش ایران بود. به این ترتیب این آمریکا نبود که آنطور که گفتید ایران را به پلیس منطقه برای خودش تبدیل کرد. ایران به طور مستقل و بهترین کشور منطقه خلیج فارس بود و امنیت آن را به عهده گرفت. البته رابطه آمریکا با عربستان سعودی به مراتب نزدیکتر بود. اما عربستان سعودی قدرت نظامی و امکانات ایران را نداشت. بگذارید تاکید کنم که ایران در آن هنگام خود را دست نشانده یا تابع آمریکا نمی دید. در آن موقع در ایران يك حس ملی گرایی شدید وجود داشت و دولت ایران معتقد بود بهترین سیاست

امیر فیصل سلمان آل سعود (برادرزاده پادشاه عربستان سعودی): وقتی بریتانیا می خواست از خلیج فارس بیرون رود، هفتن آن بود که امنیت منطقه حفظ شود، به نوعی که آمریکا نیز راضی باشد. برای این کار طبیعی ترین منحش ایران بود. به این ترتیب این آمریکا نبود که آنطور که گفتید ایران را به پلیس منطقه برای خودش تبدیل کرد. ایران به طور مستقل و بهترین کشور منطقه خلیج فارس بود و امنیت آن را به عهده گرفت. البته رابطه آمریکا با عربستان سعودی به مراتب نزدیکتر بود. اما عربستان سعودی قدرت نظامی و امکانات ایران را نداشت. بگذارید تاکید کنم که ایران در آن هنگام خود را دست نشانده یا تابع آمریکا نمی دید. در آن موقع در ایران يك حس ملی گرایی شدید وجود داشت و دولت ایران معتقد بود بهترین سیاست را برای حفظ منافع ایران دنبال می کند. کما اینکه بر سر بحرین و سه جزیره خلیج فارس تمام تلاش خود را برای کسب بهترین معامله به نفع ایران انجام داد.

ش . ط : از امیر فیصل می پرسیم اما شما در کتابتان می گوید قدرتهای اصلی در منطقه کماکان بریتانیا و آمریکا بودند، پس چطور ایران نقش مستقل ایفا کرد؟

امیر فیصل سلمان: اگر با توجه به دانش کنونی به مسائل بنگریم، من فکر می کنم شاه در سیاست خارجی مهارت بسیار نشان داد و من معتقدم او در ارتباط با این قدرتهای آن موقع، بریتانیا و کشورهای منطقه در حدی که می توانست روشی را در پیش گرفت که فکر می کرد بهترین سیاست برای مملکتش است. من فکر می کنم که بی انصافی است که او را دست نشانده و خائن به منافع کشورش بخوانیم، البته ابوزوسینون آن موقع ایران که به طور عمده طرفدار شوروی بود، هرگونه نزدیکی با غرب را خیانت می دانست و جز نزدیکی با شوروی هیچ سیاست دیگری را بر نمی ناپید.